



انکحتک و زوجتک نفسی الی صداق المعلوم!

پس از بیش از ۱۴۰۰ سال که از تازش ویرانگر تازیان به کشور و فرهنگ ما می گذرد، هنوز ما به آداب و رسوم خرافی آنها آلوده بوده و ناآگاهانه بدون این که توجه داشته باشیم در انجام بسیاری از مراسم خانوادگی و اجتماعی خود، مفاهیمی را به زبان تازی در مغز وارد و بر زبان می اوریم که فرهنگ و ادب ما هیچگاه به ما اجازه نخواهد داد، آنها را به زبان فارسی بر زبان جاری سازیم.

بدیهی است که تازش دوم تازیگری که با شورش آخوندیسیم در کشور ما آغاز شد، ادامه این کار را توان تازه ای بخشید و وجود اختناق و ستمدینی در داخل کشور به هم میهنان ما اجازه نمی دهد تا به گندزدایی فرهنگ تابناک ایرانی از تازش زبانها و فرهنگهای خارجی بپردازد، ولی ما افرادی نیز که در کشورهای آزاد بسر می بریم نیز هیچگاه بر آن نشده ایم که در این راه گامی برداشته و همچنان چشمهای خود را به روی واقعیات بسته نگهداشته و به نقاله های آخوندهایی که از کشور خارج شده اند، اجازه میدهیم، با اجرای برخی از آداب و رسوم زندگی ما به زبان تازی، همچنان ما را به زندان تاریک خرافات پ نادانی ها در بند نگهدارند. یکی از نمونه های بارز این فراطواست(ادعا)، اجرای مراسم ازدواج است.

در هنگام ازدواج باید عروس بگوید:

« انکحتک و زوجتک نفسی الی صداق المعلوم»

مفهوم و ترجمه فارسی این جمله آنست که من خود را در برابر مقدار معینی پول به گاییدن میدهم، طرف مقابل باید بگوید :

«قبلتو» یعنی پذیرش میکنم گایش را. پیشنهاد نخست را ایجاب و پذیرش را قبول می گویند.

بدیهی است که ترتیب ایجاب و قبول و پس و پیش شدن آنها مانعی ندارد.

شما خواننده گران ارج، به یقین از واژه «گاییدن» و همچنین از این که ما این واژه را به کار برده ایم، ناراحت و شرمگین شده اید. هرگاه چنین است، به دنباله گفتگو نیز توجه فرماید.

واژه « انکحتک» از ریشه « نکح» و «نکاح» گرفته شده است. هرگاه ما مفهوم و ترجمه واژه «نکاح» را از فرهنگهای گوناگون برایتان نقل میکردیم، ممکن بود این گمان برایتان ایجاد شود که ما در نقل مطلب تحریف و تصرف به عمل آورده ایم. از این رو ما برای اثبات فراخواست خود درباره مفهوم واژه « نکاح» به نقل تصویر تعریف و تفسیری که هشت فرهنگ بسیار مشهور و معتبر عربی به عربی، انگلیسی به عربی، عربی به انگلیسی، و فارسی به فارسی کرده اند، می پردازیم.

فرهنگ لغت عربی به عربی، « التوقیف علی مهمات التعاریف» تالیف الشیخ الامام، عبدالرؤف بن المناری، در صفحه ۳۳۰ واژه « نکاح» را چنین تعریف و تفسیر کرده است:

النکاح: ایلاج ذکر فی فرج لیصیر یدلک کالشی الواحد

فرهنگ لغت عربی به عربی «التعریفات» تالیف علامه علی بن محمد الجرجانی، در صفحه ۲۵۵ واژه « نکاح متعه» را چنین تعریف کرده است:

نکاح المتعه: وهو ان يقول الرجل لامرأته خذی هذه العشرة امتع بك مدة معلومه فقبلته

فرهنگ لغت انگلیس به عربی « An English Arabic Lexicon » تالیف George

«Badger» در صفحه ۱۸۳۰ درباره مفهوم واژه «Copulation» در زبان عربی چنین نوشته

است :

تناکح - جامع Sexually copulate, V.I. To unite

فرهنگ عربی به انگلیسی « قاموس اللهجه المصریه » تالیف سقراط سیبرو در صفحه ۶۱۴ ، واژه نکاح را چنین معنی کرده است:

To copulate, mankah(jikah) منکوح Mankoh, copulate (ینکح)، نکح، نکاح،
Copulation, nikah

و اما فرهنگ مشهور و معتبر دهخدا در جلد «ن» صفحه ۲۷۰ واژه نکاح را ضمن سایر معانی «بغل خوابی» و در صفحه ۷۲۱ همان جلد « نکاح متعه» را از فرهنگ منتهی الاعرب برداشت کرده و آن را آشکارا «گاییدن» معنی کرده و فرهنگهای لغت «تاج المصادر» و « زوزنی» واژه نکاح را «جماع کردن» تعریف کرده اند .

ما به راستی از ترجمه کردن این تعریفات به زبان فارسی شرم داریم و به همان دلیل نیز از ترجمه فرهنگهای عربی بالا به زبان فارسی خودداری میکنیم و تنها به چند نکته اشاره مینمایم.

یکی این که واژه «Copulation» در زبان انگلیس نکاح، جماع کردن در زبان عربی و گاییدن در زبان فارسی، همه دارای یک مفهوم می باشند. دیگر اینکه کلمات به کار رفته در فرهنگ «التوقیف علی مهمات التعاریف» دارای ترجمه زیر می باشند که ما از برگردان تمام جمله به زبان فارسی پوزش می خواهیم و معنی کلمات آن را جدا جدا در زیر می آوریم تا رعایت ادب را در نوشتار کرده و از زهر زشتی جمله بکاهیم.

ایلاج = وارد کردن؛ ذکر = الت تناسلی مرد؛ فی = در؛ فرج = آلت تناسلی زن؛ لیصر = برای این که بشود؛ کالشی الواحد = یک جسم واحد

ترجمه فارسی تعریف « نکاح متعه» در فرهنگ « التعرفات» نیز بدین شرح است:

«نکاح متعه یعنی این که مرد به زنی بگوید، این پول را بگیر و برای مدت معینی خود را در اختیار من بگذار.»

اکنون ما از هم میهنان گران ارج خود پرسش میکنیم، آیا درست است که ارباب دانش، خرد، ادب، فرهنگ و سایر افراد آگاه ساکت بمانند و اجازه دهند، این واژه ها و عبارات رکیکی که به فرهنگ و ادب ما ایرانیان تازش کرده و این چنین آنها را دگر دیس نموده، کماکان در فرهنگ ما باقی بماند؟؟ آیا این وظیفه هر ایرانی روشنگر و میهن خواهی نیست که از هم میهنانش درخواست کند، نگذارند افراد شیخ صفت، عمامه نهاد و مفتخور در جشن و شادی پیوند زناشویی آنها چنین مفاهیم زشت و رکیکی را به زبانی که ما معنی و مفهومش را نمی فهمیم برایمان بخوانند و برابر آن مبلغ قابل توجهی پول ستانی کنند؟

آیا این شایسته یک بانوی ایرانی است که در هنگام پیمان زناشویی اعتراف کند که به نکاح با آن همه مفاهیم زشتی که دارد و در بالا شرح دادیم تن در میدهد تا در برابر آن «صداق المعلوم» یعنی مبلغ معینی پول کسب کند و نه این که یک زندگی زناشویی و خانوادگی خجسته و سعادت فرجامی را به همسرش آغاز نماید؟

افزون بر همه مطالب بالا در زبان فقها «صداق» و یا مهریه ای که در هنگام نکاح به زن داده میشود، «حق البضع» نامیده میشود که امیدوارم که خوانندگان گران ارج، ما را از برگردان این عبارت به سبب زشتی آن بخشوده و خود مفهوم انرا پژوهش کنند.

نکته دیگر این که اخوندهای داخل کشور و خرده آخوندهای خارج از کشور برای پول ستانی و گرم نگهداشتن تنور مفتخوریهای خود می گویند، عقد ازدواج باید اسلامی و بوسیله آخوندها انجام گیرد. بدیهی است که عمل زناشویی که پیوند دیدن زن و مرد بوده و زن و مرد در هنگام پیمان زناشویی باید نسبت به یکدیگر تعهد کنند که یک زندگی مشترک و سعادت فرجام را آغاز و تا پایان عمر ادامه دهند و نه این که بر پایه مفهوم عباراتی که اخوندها و خرده آخوندها به زبان تازی میخوانند، با یکدیگر به بغل خوابی و جماع بپردازند.

بنابراین هر خرد و منطقی پذیرش می کند که ازدواج یک پدیده اجتماعی است نه دینی. هرگاه قرار بود، عمل ازدواج یک پدیده دینی به شمار رود، آن وقت پیروان هر دینی، ثمره های ازدواج خود را شرعی و مشروع و ثمره های ازدواج سایر ادیان را غیر شرعی و نامشروع به شمار می آورند و این امر سبب ایجاد شکاف و اختلاف پایه ای و دائمی بین پیروان مذاهب گوناگون و مشروعیت وجود آنها میشود. تردید نیست که اگر هدف عبارت «عقد اسلامی» لزوم ذکر واژه های زشت و رکیکی باشد که در هنگام خطبه پیمان زناشویی بوسیله ملاحا خوانده می شود، بدیهی است که حتی هر مسلمان مومنی راضی خواهد شد دست کم در هنگام زناشویی، خطبه ازدواج او از ذکر واژه های رکیک، نازیبا و غیر ادبی یاد شده، خالی و پاک باشد.

پاسدار پرسید: آقا جان خانمی که بغل دستت نشست، صیغه است یا عقدی؟
مرد جواب داد: نه آقا جان ایشان ج.ن.د.ه. هستند و نقدی!

Nekah” The Islamic “N” Word; What Does It Exactly Mean?

By Abdullah Al Araby

Those who master the Arabic language, and who have read the Quran in the original Arabic, are usually stunned when they read it translated into a foreign language. They can't help but notice that there are numerous discrepancies between

نکاح واژه «ن» در زبان اسلامی چم (معنی) دقیق این واژه چیست؟

نگارش: عبدالله العربی

کسانی که استاد زبان عربی هستند، و کسانی که قرآن را بصورت اصلی آن خوانده اند، معمولاً شگفت زده می شوند وقتی آنرا در زبان دیگری مطالعه می کنند. آنها نمی توانند یاری برسانند ولی درک می کنند که در بسیاری موارد ضد و نقیض ها و تفاوت هائی بین اصل قرآن در عربی و ترجمه های آنها موجود است

the original Arabic and the translation. Careful examinations would lead one to discern that these are not merely routine human errors. Analytical thinking uncovers the reality that the discrepancies are part of a deliberate, intentional plot to deceive. The translator's objective is to distract the foreign readers and prospective converts from the cruelties and prejudices of the Quran.

Certain words, concepts and phrases in the original Arabic Quran sound strange to foreign readers. Arabic speaking Muslims have become accustomed to them. However, when one attempts accurate literal translation of these, the result is rather shocking. You will have in hand a book that contains strange expressions and vulgar language. What was supposed to be a "holy" book would become X-rated, unsuitable for family-oriented use and children reading material.

Muslim translators facing this dilemma, found themselves in a position demanding meticulous cleverness. It would take a lot of patching and polishing to make their translations of the Quran read as a "holy" book should.. Their aim was to present the outside world a version of the Quran that would attract people to Islam rather than repel them from it.

The intentional mistranslation of the Quran is a massive subject that needs to be explored and dealt with in a separate thesis. For the purpose of this article we will give just a few examples before zeroing in on the topic of this article.

In Sura 112:1

"Say: He is Allah, the One and Only..". In the original Arabic, the word which was translated "Only" in this verse was actually "One of." The translator couldn't literally translate it, because it would have implied "shirk" (associating other Deities with Allah).

بررسی دقیق از جانب یک شخص برای تشخیص و تمیز دادن نشان خواهد داد که اینها اشتباهاتی روتین و اتفاقی نیستند. یک فکر پژوهشگر روشن خواهد کرد که حقیقت این ضد و نقیض ها جزوی از نقشه و طرح جهانی است تا فریب بدهند. مترجم برای منحرف کردن بیگانگان و خوانندگان و کسانی است که احتمال دارد به اسلام بگردند و از دین خود برگردند لذا به پنهانکاری بیرحمی، بیدادگری و تبعیض و تعصب ورزی قرآن هستند.

برخی واژه ها، عقیده (مفهوم) و جمله ها در اصل قرآن عربی برای خوانندگان بیگانه غریب است. مسلمانانی که به زبان عربی صحبت می کنند با اینها خو گرفته اند. بهرحال، هنگامیکه یک نفر تلاش می کند ترجمه درستی از اینها بدست بدهد نتیجه بسیار تعجب آور و تکان دهنده است. شما کتابی را در دست خواهید داشت که اصطلاحات غریبی در آنها بکار رفته که به حد زیادی عوامانه و میتدل و "رکیک" هستند؛ یک چنین کتابی در زمره انتشارات مضره و غیر قابل تحمل برای فامیل هائی که کودکانی دارند در می آید و خواندنی نیست.

مترجم های مسلمان با این گرفتاری دست به گریبان هستند، و خود را با زیرکی در به بیراهه می زنند. بنابراین با وصله پینه کردن، با پولیش کردن ترجمه های خود از قرآن را طوری تنظیم می کنند که "مقدس" جلوه کند. قصد آنها این است که ظاهری از قرآن نشان دهند که مردم را بخود جلب کند و اسلام را منزه کند تا مردم از آن فرار نکنند.

ترجمه جهانی قرآن موضوع بسیار بغرنج و بزرگی است که بایستی مطالعه شود و بررسی و پژوهش شود و با آن بصورت جداگانه با تز های دیگری برخورد نمود. برای اینکه قصد از این نوشتار را بدست دهیم چند نمونه از خروار را می آورم پیش از اینکه به قصد اصلی این مقاله برسیم.

در سوره 112 آیه یک:

"بگو؛ الله یکی" است و شریک ندارد" در اصل قرآن در عربی واژه ای که "یکی" ترجمه شده به معنی "یکی از" می باشد. در ترجمه کننده بطور یقین نمیتوانسته آنرا به آنصورت ترجمه کند زیرا در اینصورت به این معنی می بود که "شریک" دیگری هم برای الله هست. (خدای دیگری در کنار الله وجود دارد).

In Sura 33:056

"Allah and His angels send blessings on the Prophet: O ye that believe! Send ye blessings on him, and salute him with all respect."

The phrase "send blessings" was originally "pray upon". The translator didn't think it is appropriate to say that God and His Angels would pray upon (inferring praying to) the prophet Mohamed, so he had to change it to "send blessings."

This is an example of the difficulty translators sometimes face when trying to literarily translate the Quran, and how they have to deviate from the original text to present something that makes sense. We are not trying to say here that Muslims believe that God or Muslims pray to Mohammed.

In Sura 24: 30, & 31

"Say to the believing men that they should lower their gaze and guard their modesty: that will make for greater purity for them: And Allah is well acquainted with all that they do..... And say to the believing women that they should lower their gaze and guard their modesty....";

"The phrase "their modesty" was originally a word which means the specific private parts of a man or a woman. The translator didn't think it is appropriate to literarily translate the word.

In Sura 4:34

"As to those women on whose part ye fear disloyalty and ill-conduct, admonish them (first), (Next), refuse to share their beds, (And last) beat them (lightly); but if they return to obedience, seek not against them Means (of annoyance): For Allah is Most High, great (above you all)."

This verse actually gives a husband the right to beat his wife if he deems her disobedient. The translator attempted to reduce the shocking effect of such teaching and substituted his own inventions. First, he introduced the concept that the discipline progresses in stages; (first, next, and last). The stages do not exist in the original Arabic.

در سوره 33 آیه 54

"الله و فرشته های او برکت و دعای خیر به محمد می فرستند، و به کسانی که به او ایمان می آورند! به آنها خیر و برکت می فرستد و او را مورد ستایش قرار میدهد با تمام احترامات ممکنه."

در جمله بالا "برکت و دعای خیر" در اصل عربی به صورت "استغاثه کردن بسوی" می باشد. مترجم می بیند که این جمله درست نیست که بگوید خدا و فرشتگانش استغاثه و دعا می کنند به سوی پیامبرش محمد (استدال فقهی دعا بسوی چیزی) بنابر این آنرا بصورت "خیر و برکت می فرستد" ترجمه می کند.

این نمونه ای است اشکال ترجمه کنندگان در ترجمه نص صریح قرآن وقتی میخواهند مفهوم اصلی آنرا ترجمه کنند. بنابراین چگونه از آن منحرف می شوند و متن اصلی را با چیزی که با شعور و خرد تطبیق کند عوض می کنند. ما نمی خواهیم بگوئیم که مسلمانان باورمند به این نتیجه برسند که خدا و مسلمانان به محمد دعا و نیایش می کنند.

در سوره 24 آیه های 30 و 31:

"به ایمان آورندگان مرد بگو که آنها بایستی خیره شدن و نگاه کردن را ترک کنند، و فروتنی خود را نگاهدارند که اینکار آنها را به خلوص و طهارت بالاتری رهنمون می شود و الله به خوبی بصیر و آگاه است به آنچه آنها می کنند... و بگو به ایمان آورندگان زن بگو که آنها بایستی خیره نگاه کردن را کم کنند و فروتنی خود را حفظ کنند..."

جمله "فروتنی خود" دراصل واژه ای است که معنی خاصی می دهد و آن نگاه کردن به قسمت خصوصی است در بدن مرد و زن (آلت تناسلی) مترجم فکر میکند که این بسیار بی ادبانه است که آنرا ترجمه کند.

در سوره 4 آیه 34:

"آن زنانی که بیم آن میرود که عدم وفاداری و بدرفتاری آنها به اثبات رسیده نصیحت کنید(اول) سپس رختخوابتان را از آنها جدا کنید(و در نهایت) آنها را بزنید (به نرمی)؛ اما اگر به فرمان و اطاعت از شما مراجعت کردند پیگرد دیگری بر علیه آنها انجام ندهید (آزردهی و آزار)، زیرا که الله بالاترین است و بزرگتر (بالای سر همه شماست)"

در این آیه درواقع به شوهر اجازه زدن زن را می دهد وقتی که زن اطاعت نمی کنند. مترجم تلاش دارد آنرا ملایم کند و تکان دهندهگی آنرا کم کند و نشان دهد لذا آموزش های خود را به آن ترکیب می کند اول او مسئله تنبیه را با انضباط عوض می کند و درواقع (مرحله اول و دوم) در قرآن وجود ندارد. در اصل عربی قرآن چنین چیزی نیست

The verse in its original form implies that a husband can choose one or all of three responses, if he thinks his wife is disobedient. The stages are the product of the translator's devious imagination. Even his terminology about the degree of severity permitted in beating a wife is also deceptive. The qualifying word *lightly* does not exist in the original Arabic Quran. His plot was to soften and qualify the concept of beating one's wife by adding in the word *lightly*. The Arabic Quran says "beat them," period.

Another word in the list of serious intentional mistranslation is the Arabic word "Nikah." The word has been translated as "marriage." But those who understand Arabic know that this is not the exact meaning of the word. There is another word that is normally translated as marriage, and correctly so. It is the Arabic word "Zawag." It is also mentioned in the Quran, as in the following verses:

"Then when Zaid had dissolved (his marriage) with her, with the necessary (formality), We joined her in marriage to thee: in order that (in future) there may be no difficulty to the Believers in (the matter of) marriage with the wives of their adopted sons, when the latter have dissolved with the necessary (formality) (their marriage) with them. And Allah's command must be fulfilled." Sura 33: 37

The Arabic word "Nikah" is also translated as "marriage" in many other verses in the Quran as in the following:

"If ye fear that ye shall not be able to deal justly with the orphans, Marry women of your choice, Two or three or four" Sura 4: 3

"Let no man guilty of adultery or fornication marry and but a woman similarly guilty, or an Unbeliever: nor let any but such a man or an Unbeliever marry such a woman: to the Believers such a thing is forbidden." Sura 24: 3

"And when ye ask (Mohammed's wives) for anything ye want, ask them from before a screen: that makes for greater purity for your hearts and for theirs. Nor is it right for you

آیه در اصلش بدین نکته اشاره دارد که شوهر می تواند یکی از آن سه مورد را بگزیند، اگر فکر میکند همسرش به او خیانت کرده است. تمامی صحنه سازی ها در دست مترجم است و به تخیلات او و افکار او مربوط می شود. حتی او به فن واژگانی و میزان شدت تنبیه در زدن زن (همسر) بستگی به فریب او دارد. بکار بردن واژه "به نرمی" در اصل قرآن وجود ندارد. این طرحی است که او می خواهد موضوع را نرم نشان دهد که زدن یک همسر به آن نرمی است و واژه نرم را به آن اضافه می کند. در نص صریح قرآن می گوید او را بزنید. نه که نه زیاد.

به عبارتی دیگر در ترجمه های بین المللی عربی در مورد "نکاح" آنرا به واژه "ازدواج" ترجمه کرده اند. اما آنانی که عربی را خوب آشنا هستند میدانند که این معنی واقعی واژه نیست. واژه دیگری در عربی وجود دارد که به درستی به معنی ازدواج است و آن هم واژه "زوج" است که در واقع معنی ازدواج می دهد. این واژه هم در قرآن اشاره به آیه زیر نگاه کنید:

"..... هنگامی که همه چیز کاملاً بین زید و زینب تمام شد، (ازواجش) ما تو را به ازدواج او در آوریم، تا اینکه سابقه ای باشد که یک مرد می تواند (در مسائل زناشویی) با زن مطلقه پسر خوانده اش ازدواج کند. و بتواند بعداً ازدواجش را منحل کند. احکام خدا باید اجرا شود." سوره 33 آیه 37

در اصل عربی واژه "نکاح" که به چم (معنی) "ازدواج" ترجمه شده در آیه های زیر آمده است

" اگر دیدید به صلاح یتیمان است، می توانید با مادرانشان ازدواج کنید_ می توانید با دو، سه، یا چهار ازدواج کنید. اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید، پس باید فقط با یکی، یا آنچه از قبل دارید قانع باشید. ضمناً، شما به این ترتیب از مشکلات مالی دوری می کنید." سوره 4 آیه 3

" مرد زناکار سرانجام با زن زناکار یا مشرک ازدواج خواهد کرد و زن زناکار سرانجام با مرد زناکار یا مشرک ازدواج خواهد کرد. این برای مؤمنان حرام شده است. " سوره 24 آیه شماره 3

".. اگر لازم شد چیزی از زنان او (محمد) بخواهید، از پشت حایلی از آنها سنوال کنید. این قلب های شما و قلب های آنها را خالص تر می کند. باعث ناراحتی رسول خدا نشوید. بعد از او با زناش ازدواج نکنید، زیرا این از نظر خدا گناهی بزرگ خواهد بود."

that ye should annoy Allah's Messenger, or that ye should marry his widows after him at any time. Truly such a thing is in Allah's sight an enormity." Sura 33: 53

Other verses where this word is also used are:

Sura 2: 221, 230, 232, 235 & 237; Sura 4: 6, 22, 25 & 127; Sura 24:3, 27, 32, 33, 60 & 127; Sura 33: 49 & 50

The meaning of "Nikah"

What exactly does "Nikah" mean? The word Nikah doesn't exactly mean "Marriage." Let's explore what the word means from the classical Islamic reference books according to the opinion of recognized Islamic scholars.

From: Dictionary of the Quranic phrases and its meaning; Sheik Mousa Ben Mohammed Al Kaleeby, Cairo, Maktabat Al Adab, 2002

The definition of "Nikah" is the penetration of one thing by another. Examples would be as in saying the seed (N) the soil or sleep (N) the eye. It also can mean the entwining of two objects one with the other. An example would be saying the trees (N) each other, meaning they entwined with one another.

From: Kitab (Book of) Al Nikah. Commentary of Imam Ahmed Ben Ali Ben Hagar Al Askalani, Beirut, Dar Al Balagha, 1986

Linguistically, "Nikah" means embracing or penetrating. When it is pronounced "Nokh" it refers to a woman's vagina. It is mainly used in the context of "sexual intercourse." When it was used in reference to marriage it is because sex is a necessity in marriage. Al Fassi said, "If someone says a certain man (N) a certain woman, it means he married her, and if he says a man (N) his wife, it means he has sexual intercourse with her." The word can also be used metaphorically as with expressions: the rain (N) the ground, or, the sleep (N) the eyes, or, the seed (N) the

سوره 33 آیه ش53

آیه های دیگر نیز در این راستا از این واژه استفاده کرده است :

سوره 2:221، 230، 232، 235، 237 &
سوره 4:6، 22، 25، 127 &
سوره 24:3، 27، 32، 33، 60 & 127
سوره 33:49 & 50

معنی واژه "نکاح"

چم واقعی واژه "نکاح" چیست؟ واژه نکاح دقیقاً به چم (معنی) "ازدواج" نیست. بگذارید این واژه را بشکافیم و معنی کلاسیک و اسلامی که به این واژه اشاره می کند را با استفاده از کتاب های مستند اسلامی که از نظر استادان اسلامی پذیرفته شده هستند معنی اصلی آنرا دریابیم.

از دیکشنری (دایره المعارف) جمله های قرآنی و معانی آن شیخ موسی بن محمد ال کلعبی ، قاهره مکتب الادب 2002

ریشه لغوی "نکاح" به چم نفوذ کردن، رخنه کردن، داخل کردن یکی چیزی به چیز دیگر است. بطور مثال می توان گفت دانه با خاک (نکاح) کرد یا خواب با چشم (ن) کرد. همچنین می توان معنی کرد که دو چیز بهم میتواید همدیگر را در آغوش می گیرد. بطور نمونه میتوان گفت درخت ها باهم (ن) کرده اند به چم این است که بهم پیچیده اند.

از کتاب النکاح تفسیر امام احمد ابن علی بن حاجر الاسکلانی، بیروت دار البلاغه 1986

از نظر زبانی «نکاح» در آغوش گرفتن و یا داخل شدن و نفوذ کردن معنی میدهد. وقتی گفته می شود "نکح" به معنی مهبل (الت) زن است. در اصل و کل در موارد رسمی مربوط به مسائل سکس بکار گرفته می شود و معنی "دخول سکسی" از آن مستفاد می گردد. وقتی بصورت اشاره به ازدواج بکار میرود به این معنی است که لزوم آن انجام عمل دخول و نفوذ سکسی است. در مورد ازدواج الفاسی می گوید: «اگر کسی می گوید یک مردی با زنی (ن) کرده است؛ به این چم است که مرد زنش را (ن) کرده است [مفهوم نکاح دوم در اینجا گانیدن است] این به معنی عمل سکسی است و معنی دخول سکسی در آن زن را میدهد." واژه می تواند مجازاً با اصطلاح باران زمین را (ن) کرد یا خواب با چشم (نکاح) کرد یا دانه با زمین (ن) کرد

soil, or, the pebble (N) the camel's hoof. When it was used in the context of marriage it is because sexual intercourse is the purpose of marriage. It is necessary in marriage to "taste the honey" (an Islamic expression meaning literal intercourse). This is the how the word has generally been used in the Quran except in the verse that says, "Make trial of orphans until they reach the age of (N)" Sura 4: 6. In that instance it pertains to the age of puberty. The Shafia and Hanafi schools of jurisprudence assert that the word *nikah* when used as a fact conveys that sexual intercourse has occurred. And when used as a figure of speech it denotes marriage. The reason for this variance is because it is offensive to mention the word "intercourse," so a metonymic word is used to substitute it

In conclusion.

There is a word in Arabic that correctly translates "marriage." It is "zawag." However, "Nikah, the (N) word," which is more commonly used in translations of the Quran to mean marriage, carries entirely different implications. "Nikah" implies that the emphasis in the relationship between a man and his wife solely sexual. This degrades marriage. It is another proof about how Islam looks down on marriage and the role women play in it. It enforces the Islamic concept that a wife's primary role in Islam is that of a sex object, created to satisfy the husband's sexual appetites. On the other hand, marriage in the Christian tradition is a union between a husband and his wife based on mutual love, respect and equality. It is two people of the opposite sex becoming one, not just for sex, but to be the nucleus for a family that shares ALL of life's challenges. While sex is an important part of marriage, it is tragic to consider it primary. Marriage is a life-long relationship that supposed to lovingly endure beyond the perimeters of sex.

"And, Allah knows best," as the Muslims would say.

For information or comments, write to Feedback@IslamReview.com

<http://www.islamreview.com/articles/nikah.shtml>

یا ریگ با کوهان شتری (ن) کرد. هنگامیکه در مورد ازدواج بکار گرفته می شود چون مسئله سکسی وارد شدن به زن در ازدواج در نظر است بکار می رود. لازم است در مورد ازدواج "مزه کردن عسل" (اصطلاح عربی به معنی ویژه و اساسی مقاربت و مراوده سکسی) بکار می رود. این دقیقاً آنطوری است که واژه بکار گرفته می شود. در قرآن با استثنای آیه هانی که به "یتیمان را آزمایش کنید تا به سن نکاح برسند" سوره 4 آیه شش که در این صورت منظور این است که به سن بلوغ برسند. مدرسه فقه شفییه و حنفیه اظهار عقیده می کنند که واژه نکاح وقتی بکار می رود در واقع به معنی مقاربت سکسی (جنسی) است و وقتی است که اینکار انجام شده است. هنگامیکه در یک سخنرانی بکار می رود به معنی ازدواج است. دلیل آن برای این مغایرت و اختلاف این است که گفتن واژه "گانه شدن" پرهیز می کنند و بجای آن واژه ای کنایه ای بکار می برند.

نتیجه گیری

در عربی واژه ای هست که در چم واقعی به معنی "ازدواج" است. آن واژه «زوج» است

ولی بهر حال "نکاح: (ن) واژه اس است که بطور مصطلح مترجمان آنرا به معنی ازدواج معنی می کنند، در حالیکه در اصل در نص صریح قرآن دارای معنی بکلی متفاوتی است. «نکاح» دقیقاً تاکید بر روابط بین زن و مرد دارد و فقط در مورد مسئله سکسی بکار گرفته می شود. این ارزش معنوی ازدواج را تنزل می دهد. دلیل دیگری است تا ثابت کند چقدر اسلام به مسئله ازدواج و زن با نظر حقارت نگاه می کند. بدرستی نشان از آن دارد که زن در اسلام یک ابزار و وسیله سکس است ساخته شده تا شوهرش را راضی کند و به تمنیات و خواسته های سکسی مرد برسد. به بیان دیگر برعکس ازدواج در سنت مسیحی بعنوان یک اتحاد بین مرد و زن است و همپیوندی شوهر و همسر را در رابطه با عشق دوطرفه، برابری و احترام به یکدیگر نگاه می کند. دو نفر هستند که طرفین را تشکیل می دهند و یکی می شوند نه برای مسائل سکسی بلکه برای تشکیل هسته مرکزی یک فامیل برای تقسیم تمام چالش های زندگی فامیلی. گرچه سکس مهمترین مسئله ازدواج است بسیار غم انگیز که این مسئله در اهمیت بالاتر قرار بگیرد. ازدواج یک روابط دوجانبه طولانی مدت است که قرار است عشق و مهری ورزی و رای مسائل سکسی مطرح شود.

و همه مسلمانان خواهند گفت: "خدا بهتر می داند!"

برای آگاهی های بیشتر به آدرس ایمیلی در ستون مقابل مراجعه فرمائید.